



گفت‌وگو با «عباس فیروزمند» آخرین حمام‌دار سیرجان

از این حمام هنوز آبی داغ می‌شود

زهرا خواجویی نژاد

با اینکه ۸۰ سال سن دارد اما وقتی از گذشته می‌پرسم دقیق جواب می‌دهد. کم حرف است و فقط به سوالی که می‌پرسم پاسخ می‌دهد. «عباس فیروزمند» تنها استاد حمامی سیرجان است که در حمامش هنوز باز است. او در اغلب حمام‌های سیرجان کار کرده و در نهایت خودش سال ۶۴ صاحب حمام شده است. حمامی که این روزها علیرغم باز بودن حال و روز خوبی ندارد و اگر مرمت نشود به زودی چراغ تنها حمام عمومی سیرجان خاموش می‌شود. اگر چه عباس فیروزمند این روزها به دلیل کهولت سن مدیریت حمام را به پسرش سپرده است اما آنقدر تعصب دارد که علیرغم اصرارهای فراوان فرزندان به تخریب حمام باز اجازه نداده است. او معتقد است حمامی شغل شریفی است و هیچ کار خیری در دنیا به اندازه آن ثواب ندارد. تنها یک آرزو دارد؛ تا زنده است چراغ حمام فیروزمند روشن باشد. برای مصاحبه با آخرین استاد حمامی سیرجان در یکی از شب‌های سرد زمستان راهی خیابان وحید می‌شوم. به انتهای خیابان که می‌رسم تابلو قدیمی «حمام فیروزمند» از دور مشخص می‌شود. وارد دفتر حمام فیروزمند می‌شوم. علی فیروزمند پسر عباس فیروزمند پشت میز نشسته است و چند مشتری در حال حساب کردن هستند.

سرش که خلوت می‌شود قسمت‌های مختلف حمام را نشان می‌دهد؛ یک راهرو با ۱۵ دوش که در دو طرف قرار گرفته است. کمتر شبیه حمام‌های قدیمی است. این حمام سه خزانه داشته است که در حال حاضر فقط یکی از خزانه‌ها کار می‌کند. سقف حمام نم داده، لوله‌کشی کاملاً فرسوده شده و چکه می‌کند. کاشی‌ها شکسته شده‌اند.

خانه در پشت حمام واقع شده است و با یک در کوچک به حمام متصل است. عباس فیروزمند روی تخت نشسته است و در حال تماشای تلویزیون است. کنارش می‌نشینم. پسرش می‌گوید هر سوالی می‌پرسید بلند بگویید تا پدر بشنود و گاهی اوقات در جواب‌ها به او کمک می‌کند.

مردم سیرجان شما را به عنوان استاد حمامی می‌شناسند، از کجا شروع کردید؟

تمام اقوامان حمومی بودند. یادمه پدرم در محمودآباد حموم اونجا اجازه کرده بود و کار می‌کرد و کم‌کم این شغل به ما رسید. بعد از محمودآباد به سیرجون اومدیم، شهرداری حمومی سر چهارراه سپاه داشت (مکان فعلی درمناگاه شهیدزندی) در این حموم مشغول به کار شدم. بعد از آن در اغلب حموم‌های سیرجون به عنوان شاگرد کار کردم. حموم‌هایی که من در آن‌ها کار کردم الان یا خرابون شدن، یا بانک و یا

هیئت مذهبی.

در سیرجان چند تا حمام وجود داشت؟
۱۰ حموم در سیرجون بود که همه زیرزمینی بودن. من توی همه‌شون کار می‌کردم. خدایا بمرزه همه استاد حمومی‌های قدیم مثل کل علی نایب حسین، حاج رضا محمودآبادی، حاج احمدنوری و...

چرا زیرزمینی؟

در قدیم حموم‌ها را توی زیرزمین می‌ساختن تا گرم باشه. حموم‌های قدیم خیلی بزرگ بودن. مثل حموم گنجعلی خان کرمون.

کار تان در حمام چه بود؟

کارم در حموم کیسه‌کشی بود. علاوه بر آن مشت و مال هم می‌دادم. حالا نگاه نکن که پیر شدم خیلی هیکلی بودم.

کیسه‌کشی کار سختی بود؟

خیلی سخت بود. شب که می‌اومدم خونه پاهام ورم می‌کرد و مثل جایی که آب جوش می‌ریزن قرمز می‌شد. می‌بایست حتما پماد بزوم. شما حساب کن ۱۴ ساعت پاهات تو آب داغ باشه. ما از صبح زود می‌رفتیم و تا شب دیگه از حموم بیرون نمی‌اومدیم. فقط ۱۰ دقیقه می‌اومدیم بیرون ناهار می‌خوردیم. در یه شب عید ۶۰ تا مشتری را کیسه کشیدم. الان پاهام درد می‌کنه و عمل دیسک کمر کردم و دوتا پلاتین

عباس فیروزمند، عکس: حسین ایرانمنش پاریزی | پاسارگاد



در قدیم بهترین الگوی مردم استحامومی بود. مثلاً اگر دو نفر از بزرگان سیرجان باهم قهر می‌کردن، استحامومی می‌رفت اونارو آشتی می‌داد



تو کمرمه اینابه خاطر کارهای سنگینه گذشته‌است.
● در ازای این کارها چقدر حقوق می‌گرفتید؟

مشتری یک تومن می‌داد. ۶ قرون را استحامومی برمی‌داشت و ۴ قرونش را به من می‌داد.

● حمام‌های قدیم سیرجان چه نام داشتند؟
 حموم آقاابراهیم، حاج سبزه‌علی، موحدی، کوچک، گلستانی، شازده، نوری، صاحب‌الزمان، مظفری، تو دهانه بازار جای مسجد جامع یک حموم بود، و بعدها حموم عدل، فیروزمند، ولی عصر، مرمر و... (می‌خندد و می‌گوید پدرم بسوززه‌مگه یادمه)

● در هر حمام چند نفر کار می‌کردند؟
 ۴-۵ کارگر کیسه‌کش بود، مشتری هم هرچی دلت بخواد بود. حموم زنونه و مردونه جدا نبود؛ نصف روز زنونه بود نصف روز مردونه، جمعه‌ها هم از صبح تا شب مردونه بود.

● چه شد که تصمیم به ساخت حمام گرفتید؟

گرما به عدل توبلوار سیدجمال مال شوهر خواهرم بود که اونجا کار می‌کردم تا اینکه ۱۰ روز مریض شدم و تو خونه افتادم و درآمدی نداشتم، زنم گفت بیا برو به تیکه زمینی بگیر به حموم می‌برای خودت بساز. تقاضای زمین دادیم به ما گفتن اگر پلیس راه زمین بگیرد ۵ هزار متر مربع زمین می‌دن. با اینکه رییس زمین شهری گفت پلیس راه جاش بهتره، راننده جماعت می‌رن، اما گفتیم ۴ تا مشتری تو شهریم را با راننده‌ها عوض نمی‌کنم. گفتیم تو شهر زمین می‌خواه، هر جا هم گشتیم زمین نبود، تا اینکه اومدیم اینجا ۵۰۰ متر زمین بود. آن موقع بیابان بود. گفتیم همینو می‌خواه. سال ۶۲ شروع به ساخت کردیم و ۱۸ ماه ساختوساز طول کشید و عید مبعث ۶۴ حموم فیروزمند افتتاح شد. آقای نصرت‌آبادی فرماندار سیرجان بود. زمانی وارد حموم شد کفش هاشو درآورد. می‌گفت اینقدر تمیزه آدم دلش نمیداد که با کفش تویباده. حالاهم شده دست شکسته و اقبال (وبال) گردن.

● چرا؟

چون خیلی جاهای حموم خراب شده. تا به حال چندین بار برای گرفتن وام جهت مرمت اقدام کردیم اما ندان. پیش همه مسئولان رفتیم اما دلسوزی وجود نداره. بچه‌ها می‌خواستن حموم را خراب کنن و مغازه‌هاشو درست کنن می‌گن بیشتر درآمد داره اما من اجازه ندادم. گفتیم تا زنده‌ام دست به حموم نگیرین. برای رضای خدا و این مردم، شما فکر می‌کنید اگه ۴ تا مسافر تو این شهر بیان و احتیاج واجب به حموم داشته باشن و در این حموم هم بسته باشه باید چیکار کنن؟ به من بدمی گن یا مسئولان؟ عمر مفید هر حموم ۲۰ ساله، این حموم ۱۰ سال بیشتر کار می‌کنه. الان کارت بهداشتش را اگر بیارم نوشته تخریب کامل، بازسازی کامل، خوب وقتی پول نداریم حموم درست کنیم باید چیکار کنیم. هر کجای حموم را بخواهیم دست بزنین صحبت از میلیونه. الان این حموم نزدیک ۵۰ میلیون خرجشه. بچه‌ها پیش فرماندار، شهردار در دوره‌های پیش رفتن اما کسی کمک نکرد.

● چرا کمک نکردند؟

علی فیروزمند می‌گوید در زمان فرمانداری موحدی درخواست کمک کردیم، فرماندار نوشت برو از کمیته

امداد ۱۰ میلیون تومن وام بگیر. اما کمیته امداد گفت شرمنده این وام به شما تعلق نمی‌گیره و مربوط به کارآفرینان است. گفتیم کار من از کارآفرینی واجب‌تره، آبروی شهر شماسه. گفت طبق قانون نمی‌تونیم. حتی منوبه‌اداره بازار گانی پلاس دادن. رییس بازار گانی گفت چند پاکت سیمان می‌خواهی تا بهت بدم. گفتیم من سیمان نمی‌خواه. می‌خواه حمامم را درست کنیم. گفت اینجا پول نیست. با سیمان می‌تونی حمامات را درست کن و گر نه درش قفلی بزنی. گفتیم حیثیت و آبروی شهر چی می‌شه، گفت ما کاری به این نداریم کی می‌خواه حموم بره. زمانی که مسئولان دلسوز نیستن ما چیکار کنیم. الان بیش از ۳۰ ساله که این حموم بازه اما ما هنوز یک دو چرخه هم نداریم که سوار شیم، پدرم ۵۰ سال زحمت کشیده این عاقبتشه. اگر ۱۰ سال پیش به من ۲۰ میلیون وام داده بودن الان وضعیت حموم به اینجانی کشید.

● چند نفر در حمام شما کار می‌کنند؟

فقط پسر، در حموم دیگه دلاک نداریم. فقط مردم می‌آیند و حموم می‌روند.

● از هر نفر چقدر می‌گیرید؟

علی فیروزمند: اگر از نفری ۱۵ هزار تومن هم بگیرم کمه چون هرکی میره حموم شیر آب تا وقتی میاد بیرون بازه، علاوه بر آن لباس هم می‌شورن، آدم بوده ۴-۵ ساعت تو حموم بود و وقتی بیرون اومد همون ۸ هزار تومن پول حموم هم زورش می‌اومد بده، اگر کسی دو ساعت هم از آب اینجا استفاده کنه باز همون ۸ هزار تومن را می‌گیریم. علاوه بر اون گاهی بدون اطلاع من به پلاستیک لباس هم می‌شورن، لامپ‌های حموم رو باز می‌کنن و می‌برن. دمپایی‌ها، تشت‌های حموم، چه همه لنگ و حوله داشتیم همه رو بردن. اما الان چون بهداشت ایراد گرفته باید خودشون وسایل شخصی بیارن.

● پول آب برایتان می‌صرفد؟

علی فیروزمند: گاهی ۶۰۰ هزار تومن یا ۴۰۰ هزار تومن می‌آد تا به حال کمتر از ۸۰ هزار تومان نیومده. از زمانی بارانه آب و گاز را برداشتن خیلی سخت شده، به ما سوسید هم نمی‌دن. اولین باری که گاز گرون شد یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومن پول گاز اومد که اصلاً نتونستیم اونو جبران کنیم. الان نزدیک ۴ ماهه پول گاز نیومده، بیاد بالای یک میلیون تومن خواهد بود.

● ماهیانه چند تا مشتری دارید؟

علی فیروزمند: روز هست ۱۰ تا داریم. روز هم هست ۴ تا داریم ولی هر روز مشتری هست اما خیلی کم شده. گاز که اومد ما خیلی خوشحال بودیم اما نمی‌دونستیم که گاز باعث کاهش مشتری مون میشه. مشتری داشتیم ۵-۶ تا بچه داشت و جمعه تا جمعه حموم می‌اومدن، یک مدت دیدیم دیگه نمایان. یکبار دیدمش گفتیم چرا حموم نمی‌آیی. گفت: پدرم روزنم سوزانده، یکبار از سر کار که اومدم خونه دیدم تمام النگوهاشو چیده و گفت تو رورق‌ان اینارو بفرش و یک حموم کنج خونه برام درست کن.

● الان مشتری‌هایتان از چه قشری هستند؟

علی فیروزمند: الان مشتری‌های مون یامسافرن یا از اطراف سیرجون می‌آن و حموم ندارن.

● استاد حمامی‌ها در قدیم چه جایگاهی داشتند؟

بهترین الگوی مردم استحامومی بود. مثلاً اگه دو تا بزرگ سیرجون باهم قهر می‌کردن، زمانی می‌خواستن اینارو آشتی بدن استحامومی می‌رفت آشتی می‌داد. استحامومی حکم کدخدا رو داشت یعنی اینقدر عزت و احترام داشت که کسی رو حرفش حرف نمی‌زد.

● چه جور آشتی می‌داد؟

یک سینی می‌آوردن قند و شیرینی و خیلی چیزای دیگه توش می‌گذاشتن و می‌اومدن استحامومی را برمی‌داشتن و می‌رفتن دو نفر را باهم آشتی می‌دادن. علی فیروزمند: اگر الان بابا به روز بیاد تو دفتر بنشینه اصلانمی‌تونه رفتار آدم‌ها رو تحمل کنه. یکبار به یک نفر گفته بودم در حسابی مگه تو سرفره پدربزرگ نشدی که از در می‌آیی تو و سلام نمی‌کنی، من گفتم بابا دیگه اون زمان نیست که استحامومی‌ها حرمت داشتن. بچه‌ها حرمت پدرشون را نگه نمی‌دارن. دیگه می‌خواهی حرمت ما رو حفظ کنن. گاهی بابا می‌آید نیم‌ساعتی تو دفتر می‌نشینه تحمل نمی‌کنه و زود میره.

● در قدیم دم عید چه حال و هوایی داشتید؟





▲ علی فیروززمنند در دفتر حمام

کیسه کش و بادکش و... تقسیم می شد فقط به پادو جداگانه انعام می دادن، پادو کسی بود که کار نظافت حمام رو بر عهده داشت و رفت و روپ می کرد و زمانی مشتری زیر دوش بود و می گفت «خشک» پادو می دوید و لنگ می آورد و می داد.

🌟 دیگه چه رسمی بود؟

زمانی که می خواستن دوما رو حمام بیارن، دم حمام ساز محلی می زدن، دوما را حنا می بستن، نزدیک یکساعت و نیم که دوما تو حمام بود سازنده می زد و مردم می رقصیدن تا دوما از حمام بیرون بیاد.

🌟 اگر دوباره به دوران جوانی بازگردید شغل حمامی را انتخاب می کنید؟

حتما همین شغل را انتخاب می کردم الان هم اگه پول داشتم به پیغمبر از این بدتر که می شدم ولش نمی کردم. چون ثوابی که حمام داره هیچی نداره اگه کسی بگه ۵۰ تا گوسفند برای امام حسین سر بریدم، یا ۳۰ سال روضه خوندم، صدتا مسجد و بیمارستان ساخته، به همان خدایی که شریک نداره به اندازه شغل حمامی ثواب نداره. دست بر دلم نزن که وضع ناجور می شه (اه می کشد و چشمانش پر از اشک می شود)

یک دونه نان یا دو ریال پول می دادن. آن زمان در سیرجون خان زیاد بود. حاج رشید، حاج مجد، حاجی سلطان احمدی (جلال جنگ)، محمود معمار، محمود و حسین خان اسعدی، اینا که می اومدن حمام علاوه بر پول حمام انعام هم می دادن.

🌟 به غیر از کیسه کشی در حمام چه خدماتی انجام می شد؟

در قدیم هر حمامی بستگی به بزرگ یا کوچک بودنش دو تا پنج نفر دلاک داشت. عین حمام گنجعلی خان. یکی مشتمال می داد، یکی بادکش می کرد، یکی کیسه می کشید. مردم در قدیم زمانی حمام می اومدن، اول می رفتن زیر دوش یا تو خزونه بدن شون رو خیس می کردن بعد می نشستن روی تهگانه، کارگر می اومد اونا رو می شست یا اگه می خواست مشتمال یا کیسه می کشید. تو مشتمال فرد رو می خواباندن و دست و پاهاشو می کشیدن، یکسری آداب داشت که حمامی ها بلدن. در قدیم تو حمام خیلی صلوات می فرستادن، اصلا ایمان مردم اون زمان قوی تر بود. بعد در ازای همه این کارها، مشتری فقط یک تومن می داد. یک تومن هم بین صاحب حمام و

ما حمامی ها زمان عید وقت کار و کاسبی مون بود و مشتری خوبمون که می اومد اگر پول حمام ۵ ریال بود دو تومن هم به کارگران عیدی می داد. یک شب قبل از علفه اینقد حمام شلوغ می شد که حد نداشت و این شلوغی تا روز سیزده ادامه داشت. حال و هوای خاصی بود. ولی الان دیگه اون حال و هوای نیست. پارسال موقع سال تحویل فقط ۴ تا مسافر تو حمام بودن. در قدیم زمانی مردم می اومدن حمام یکی دوساعت تو حمام بودن. چون هفته ای یا دو هفته ای یکبار می اومدن.

🌟 دوساعت تو حمام چیکار می کردند؟

زن بود ۸ صبح که حمام می اومد ۸ شب بیرون می رفت حتی ناهار هم می آوردن تو حمام می خوردن. تخم مرغ و حنا می آوردن تو سرشون می کردن، مثلا زن داوودخان سعیدی که می اومد از صبح تا شب تو حمام بود و زمانی می خواست بره می بایست تاناش را همراهش تا خزونه ببرم، تاس یعنی تشت و سینی مسی که زیر آن قرار گرفته بود و داخل آن لباس، وسایل حمام، قالیچه کوچیک، بقچه بود و سینی مسی رو روی سرمون می داشتیم و می پریدیم. در ازای این کمک